بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 22 اردیبهشت 1395.

در مورد عبد الله بن سلیمان و اینکه مراد از عبد الله بن سلیمان کیست صحبت می کردیم. خب ما باید یک مقداری اطلاعات کتب رجالی را دسته بندی کنیم و این اطلاعات را با اطلاعاتی که از اسناد به دست می آورد مقایسه کنیم و ببینیم چه شکلی است. عبد الله بن سلیمان که در اسناد نقل شده است، عمده روایت هایش یا از امام باقر علیه السلام هست یا از امام صادق علیه السلام. یک سری راوی های مشترکی دارند یعنی کسانی هستند که از عبد الله بن سلیمان هم از امام باقر نقل می کند هم از امام صادق علیه السلام.

عنوان عبد الله بن سلیمان در، عبد الله بن سلیمان یکی ابان بن عثمان هست که هم از عبد الله بن سلیمان عن ابی جعفر نقل می کند هم عبد الله بن سلیمان عن ابی عبدالله نقل می کند. یکی ابن مسکان هست که از هر دو نقل می کند. یکی یونس بن عبد الرحمن هست که، ذهنم یونس، عبد الله بن مسکان عبد الله بن سنان، ابان بن عثمان به نظرم یونس عن عبدالرحمن بن سلیمان عن ابی عبدالله هم شاید باشد.

حالا خیلی مهم نیست این جهتش.

این عبدالله بن سلیمان کسی است که هم از اصحاب امام باقر هست و هم از اصحاب امام صادق. برویم در رجال ببینیم چه کسی هست که هم از اصحاب امام باقر باشد و هم از اصحاب امام صادق. یعنی نکاتی که داریم مقایسه می کنیم یک نکات جنبه طبقه ای راوی هست. یک نکات جنبه های شخصیت شناسی اش. در جلسه قبل عرض کردم در عبد الله بن سلیمان تقریبا چیز به درد بخوری در مورد اینکه چه کاره است و شغلش چیست از روایاتش در نمی آید. فوقش مثلا یک مقداری اینکه احتمالا آدمی بوده است که مثلا از جهت ثروت شاید در یک خانواده اهل ثروت بوده است که با عاج و با شکار و امثال اینها حالا خیلی واضح نیست که حتما، این است که ما از جهت متنی چیز قابل توجهی نداریم. عمده اش باید برویم روی جنبه طبقه و سند و اینها. در سند این عبد الله بن سلیمان مروی عنه آن عمدتا یا امام باقر علیه السلام هست یا امام صادق علیه السلام. در امام باقر، ما در رجال شیخ یک کسی را به عنوان عبد الله بن سلیمان در رجال شیخ اصحاب الباقر آورده است بدون ذکر مشخصه. در رجال برقی هم همین جور. به نام عبد الله بن سلیمان آورده است بدون مشخصه. حالا خب ایا این دو نفر یک بحثی فکر کنیم ببینیم با هم ارتباطی دارند؟ این دو تا عبد الله بن سلیمان که برقی آورده است با عبد الله بن سلیمان که شیخ در رجال آورده است یکی هستند؟ میک نکته ای که در مورد رجال برقی و رجال شیخ من یک مقاله ای در موردش نوشته ام آنجا هم اگر کسی توجه کند خیلی واضح هست آن این است که یکی از منابع رجال شیخ، رجال برقی است. و اینجا هم دقیقا از جاهایی هست که از منابع رجال شیخ همین رجال برقی هست. شما ملاحظه فرمایید یک نکته ای قبلا عرض کنم رجال برقی ترتیبش ترتیب الف بایی نیست. ولی رجال شیخ ترتیبش الف بایی است. البته الف بایی کامل نه. فقط در اول اسم رعایت الف بایی شده است. بنابر این اگر شیخ از رجال برقی اخذ می کند، عناوین را، عناوینی که مربوط به باب بحث خودش است را اخذ می کند. عناوینی که یک عناوین دیگری که رجال برقی باشد ولی چون ترتیبش متفاوت است و از یک باب دیگری است این عناوین را، حالا این عبد الله بن سلیمان که ما در رجال برقی داریم که به نام عبد الله بن سلیمان، اولا این عبد الله بن سلیمان را در قسم اصحاب ابی جعفر علیه السلام رجال برقی آمده است یعنی نه در اصحاب رسول الله. عرض کردم رجال برقی یک ترتیب فرعی هم دارد. علاوه بر ترتیب اصلی که باب های اصحاب ائمه هست در خود باب های اصحاب ائمه هم عناوین را طبقه بندی کرده است. من این را خودم معمولا با کلمه قسم تعبیر می کنم. می گویم در باب اصحاب الصادق، قسم فلان. چند قسم کرده است. این در قسم اصحاب ابی جعفر علیه السلام از اصحاب الباقر علیه السلام آمده است در اول جمله. این را داشته باشید چون اینها در بحث های آینده ما دخالت دارد این ریزه کاری ها. خب این عبد الله بن سلیمان مورد بحث ما در رجال برقی هم وارد شده است صفحه 10 در رجال شیخ هم نگاه می کنیم عبد الله بن سلیمان وارد شده است نکته جالبی که هست که ما را به ارتباط بین این عنوان رجال شیخ راهنمایی می کند این است که دقیقا قبل از این عبد الله بن سلیمان که در رجال برقی هست، عبدالله بن شریک عامری است. در رجال شیخ هم عبد الله بن شریک عامری وارد شده است. این یک تلنگری هست برای اینکه بگوییم آیا بین اینها ارتباطی وجود دارد یا خیر. بعد که مراجعه می کنیم می بینیم که خیلی از این عناوینی که در این دو کتاب هستند مشابه هستند. من حالا اینجا عبد الله بن شریک عامری در رجال برقی هست. بعد از آن عبد الله بن سلیمان، عبد الله بن سلیمان آمده است. بعدش عبد الله بن عمرو است. اینجا عبدالله بن عطاء مکی است. حالا این را داشته باشید. بعدش عبد الله بن بکیر الحجری است در رجال شیخ. در رجال برقی عبد الله بکیر الحجری. در رجال شیخ عبدالله بن محمد الجوفی بعینه در رجال برقی هست. عبدالله بن دینار، عبد الله بن عجلان، عبدالله بن مختار، دقیقا به همین ترتیب پشت هم هست. بعدش عبد الرحیم القصیر اینجا عبد الرحمن القصیر است. عنوان بعدی رجال برقی که به نظر می رسد که اینها باید یکی باشند و یکی از آنها محرّف دیگری باشد. بعدی اش عبد الله بن ولید وصافی. در برقی عبید الله بن ولید الوصافی العجلانی. که یک مقداری این کلمه عجلانی هم یک مقداری آدم را به شک می اندازد. اگر عجلانی چطور اینجا آمده است در حالی که رجال شیخ این عجلانی اش را نیاورده است. به هر حال در نسخه شیخ علی القاعده نبوده است این عنوان عجلانی. بعدی اش عبیده الخصعمی، بعدی اش عبد الملک بن اعین اخوا زراره. اینجا دارد عبد الملک بن اعین مولی بنی شیبان. عبد الواحد بن المختار النصاری. آنجا عبد الواحد بعدی اش است. عبد الحمید الواسطی. بعد از آن عبد الحمید بن عوّاض الطائی بعدی اش است. بعدی آن عبد الرحمن بن سلیمان الانصاری اینجا عبد الرحیم بن سلیم الانصاری. این عناوینی که هست می داند آدم که دقیقا همان است با تغییراتی که می تواند از ناحیه تحریف باشد. رحمان را رحمن می نوشتند. سلیمان را سلیم می نوشتند. و اینها خیلی شبیه هم نگاشته می شدند. همین جور بعدی اش عبد الرحمن بن اعین در رجال شیخ اخو زراره است. این عبد الرحمن بن اعین مولی بنی شیبان است. این کأنه از او گرفته است خواسته است با تعبیر ابو زراره روشن تر کند. بعدی اش عمرو بن عبد الله الثقفی است. دو تا اینجا هست که اینها چرا چیز شده اند باید کمی دقت کرد. بعدی اش عمرو بن سعید بن هلال الثقفی. عمرو بن سعید خالی است با یک چیز. یک عمرو بن خالد دارد بعدی اش عمرو بن سعید که اتفاقا این عمرو بن سعید بن هلال الثقفی از اصحاب امام رضا است. من تصور می کنم که این عمرو بن سعید باید کسی دیگر باشد. این عمرو بن سعید تصور شده است که مثلا عمرو بن سعید بن هلال ثقفی در حالی که طبقه اش نمی خورد. این عمرو بن سعید بن هلال ثقفی این عمرو بن سعید باشد. اگر باشد یک کسی دیگر باشد. آن از اصحاب امام رضا علیه السلام و آن طبقه است. بعدی اش عمرو بن یحیی حالا در اینجا عمرو بن معمر بن ابی وشیکه. اینجا عمرو بن یحیی بعد معمر بن یحیی بن سام بعد معمر بن عمر بن عطاء. معمر بن ابی وسکه. این معمّر بن ابی وسکه است ولی چیز ندارد. این خب این احتمال کاملا به ذهن انسان می خوردکه این عناوین با هم دیگر قاطی شده است. عمرو داریم ما اینجا معمر هم داریم دو تا معمر دارد از این معمر پریده است به این معمر. معمر بن ابی وسکه. نه از آن معمری که، یک قاطی پاتی شده است حالا دقیقا چه جوری عمرو بن معمر بن ابی وشیکه، اینجا معمر بن ابی وسکه هست. معمر هم دارد. عمرو هم دو تا بالا، قاطی شده است این عناوین به دلیل شباهت هایی که بین اینها هست، از اینجا ها به آنجا ها پریده است. عنوان بعدی ابو مریم، اینجا عمرو بن هلال هست. حالا اینجا عمرو بن هلال ندارد. حالا این هلال که اینجا هست ممکن است با آن عمرو بن سعید بن هلال ثقفی که آنجا بن هلال اضافه شده بود با این عمرو بن هلال یک مقداری اینجا اینها قاطی شده باشد. اینجا جاهایی هست که عنوان ها یک کمی قاطی شده اند.

خب بعدی اش ابو مریم عبد الغفار بن القاسم الانصاری. در رجال شیخ عبد الغفار بن القاسم الانصاری یکنیّ ابا مریم. یک نکته ای از مقارنه رجال شیخ و رجال برقی استفاده می شود در رجال قبرقی کنیه را معمولا قبل از اسم می آورده است. شیخ اینجا هایی که کنیه هست اسم را اول می آورد بعد می گوید یکنّی فلان. خیلی جاها مقایسه کند این را می بیند.

سوال: لابد عین آن هم درست می شود ....

پاسخ: آره چون در باب الف می خواهد بیاورد کنیه را نمی آورد که این قرو قاطی بودنش یعنی عین بودنش برجسته شود. بعدی اش عبد الله بن محمد الاسدی کوفیٌ یکنّی ابا بصیر. این جا عبد الله بن محمد الاسدی، به جایش یک ابو بصیر دیگری دارد. ابو بصیر یحیی بن ابی القاسم الاسدی و اسم ابی القاسم یحیی بن ابی القاسم. ببینید اینجا یک بحث جالبی در قاموس الرجال مطرح کرده است این بحث که چند نفر به نام ابو بصیر بوده اند؟ یکنی به ابا بصیر چند نفر بوده اند؟ یکی از آنها عبد الله بن محمد الاسدی هست. که مکنّی به ابو بصیر دانسته شده است. صاحب قاموس الرجال می خواهد بگوید که این اشتباه است. عبد الله بن محمد الاسدی مکنّی به ابو بصیر نیست و این از نسخه محرّف رجال کشی سرایت کرده است و یک بیاناتی دارد. حالا من بیانات ایشان را کار ندارم. ول یمن به نظرم اصل ادعای ایشان قابل تأمل است خیلی ادعای خوبی است. آن این است که در عبد الله بن محمد الاسدی دو جا وارد شده است. یکی یکنّی ابا بصیر. یکی در رجال کشی هست که در یک مجموعه مشوّش. در یک جایی هست که پیدا است قر و قاطی شده است و امثال اینها. یکی هم در رجال شیخ است، عبد الله بن محمد الاسدی، کوفیٌّ یکنّی ابا بصیر. اینجا دقیقا به جای عبد الله بن محمد الاسدی کوفی یکنّی ابا بصیر، ترجمه همان ابا بصیر معروف اینجا آمده است. ابو بصیر یحیی بن ابی القاسم الاسدی و اسم ابی القاسم یحیی بن القاسم. به جای این اصلا همان ابا بصیر معروف اینجا اسمش آمده است. حالا بعدا هم می گویم بعدی هایش هم از رجال برقی است. این وسط چه شده است یک تشویشی در این نسخه بوده است. عبارت های قبلی را هم دیدید عمرو بن محمد بن ابی وشیکه، عمر بن سعید بن هلال الثقفی، اینها همه شان اینجا به نظر می رسد که اینجا رجال برقی یک تشویشی داشته است حالا چه شکلی تشویشش بوده است. چون دقیقا همین جا یک عنوان قریبی که هیچ جای دیگری ثابت نشده است که ابو بصیر به نام عبد الله بن محمد الاسدی باشد دقیقا جایش همین جا است. این است که به نظر من آن عبد الله بن محمد الاسدی قابل اعتماد نیست مکنی بودنش به ابا بصیر. چون در جایی است که محل تشویش و اختلاف نقل هست. بعدی اش عیسی بن ابی منصور القریشی. یک عیسی بن مریم این وسط، این عیسی بن اعین اول اول ترجمه چیز عیسی بن اعین را آورده بوده است. سه تا عنوان اول رجال شیخ در باب العین این سه تاش مال رجال برقی نیست از عنوان چهارم شروع می شود. حالا آن سه تا را از یک منبع دیگری گرفته است که یکی از آنها برادران زراره است. عیسی و عبد الملک و عبد الجبار بنو اعین الشیبانی که این هست. این عیسی بن اعین را قبلا چون ذکر کرده بوده است اینجا دوباره تکرار نکرده است. رسیدیم به عیسی بن ابی منصور القرشی عیسی الطحان، بعدی اش عقبه بن بشیر الاسدی. بعدی اش عقبه بن شیبه یکنی ابا شیب الاسدی. عقبه ابی شیبه الاسدی. یک کمی قرو قاطی هم هست اینها. بعدی اش عطیه اخو عرام. آنجا یک عقبه بن قیس اینجا وجود دارد حالا اینها؛ عطیه ابو عرام ببینیم کجا داریم عطیه، آهان همین است. این در حاشیه می گوید در بعضی نسخ ضرار بعضی نسخ مرار، اخو عرام و بن ضرار، اینها یکی هستند. این عطیه اخو عرام است آن عطیه بن ضرار. بعدی اش عطیه العوفی. بعدی اش اینجا علباء بن ضرار الاسدی. آهان علباء بن دراع الاسدی. بعدی اش علاء بن حسین. بعدی اش یک علاء بن حسن هم هست اینجا. احتمالا ممکن است اینها جمع بین نسخه صحیح و نسخه محرّف باشد. در یک نسخه علاء بن حسین است و در یک نسخه علاء بن حسن هست در رجال برقی هر دو اش هست و در رجال شیخ فقط همان علاء بن حسین را آورده است که این مؤید این است که فقط یکی از آنها بوده است. همین علاء بن حسین بوده است. بعدی اش عبد الرحمن یکنی ابا خیثمه.

سوال:...

پاسخ: آهان خیثمه بن عبد الرحمن، عبد الرحمن و هو ابو خیثمه. می گوید عبد الرحمن یکنّی ابو خیثمه تعبیری که تغییرات تبدیلی که معمولا شیخ می دهد. بعدی اش عمار بن ابی الاحوص است. اکرمه ابو اسحاق. اینجا دارد اکرمه یکنّی ابا اسحاق. همان تعبیری که عرض می کردم. بعدی اش علقمه الحضرمی، این علقمه بن محمد الحضرمی اخو ابی بکر الحضرمی. بعدی اش اینجا علی بن میمون السائغ. اینجا هم علی بن میمون السائغ دارد. یک ابو الحسن البته اضافه دارد. این ابو الحسن را دارد علی بن میمون یکنّی ابا الحسن. اینجا دارد ابا الحسن علی بن میمون السائغ آنجا دارد علی بن میمون یکنّی ابی الحسن السائغ.

سوال:...

پاسخ: ببینید میزان اتحادی که دارد این میزان اتحاد قطعی می کند که اینها از این گرفته شده است. آن اختلافی که هست اختلافات ناچیز است اختلافات نسخه ای است. یعنی هیچ، حالا بعضی هایش، یکنی هایش که تغییری است که شیخ ایجاد می کند. از آن چیز کنیم اختلافاتش زیاد نیست. یعنی شیخ آن عنوان را گرفته است و آن عنوان را شناخته است. شناخته است با مشخصات روشن تر. مثلا همین علقمه المحمد الحضرمی اخو، علقمه الحضرمی بوده است، علقمه الحضرمی را شناخته است که این ابو بکر هم، ابو بکر و علقمه این دو برادر هم فرزندان علقمه بن محمد الحضرمی است شیخ توضیح بیشتری دارد علی بن میمون یکنّی ابا بصیر السائغ، بعدی اش هم اینجا عامر بن ابی الاحوص هست اصلا ببینیم در رجال برقی عامر بن ابی الاحوص نیست یا هست. ندارد نه.

خب بعدی اش عمران خالی است که اینجا دیگر عمران بن ابی خالد، بعدی اش این دیگر معلوم نیست اینها به آن ربطی داشته باشد. بعدش می رود اصحاب ابی عبدالله. بعد از این عامر بن ابی الحوص که اینجا نداشت. عمران بن ابی خالد هم که این هم ندارد. بعدی اش عبیده السکسکی آن هم ندارد. نه دیگر تا اینجا تا علی بن میمون یکنی ابی الحسن السائغ این از رجال برقی است بعد از این از یک منبع دیگری اخذ کرده است. ببینید چه قدر این مقایسه این دو تا کتاب با هم دیگر سودمند بود برای ما. اینکه یک تحریفاتی که رخ داده است در در آن بحث ابا بصیر خیلی مهم بود عبد الله بن محمد الاسدی مقایسه این ها خیلی مهم است. در این بحث ما هم عبد الله بن سلیمان که در رجال برقی هست و در رجال شیخ هست یکی هست. در واقع شیخ عبدالله بن سلیمان را از رجال برقی گرفته است. پس شخص مستقل دیگری به نام عبد الله بن سلیمان که در رجال شیخ هست نیست. این همان هست که در رجال برقی وجود دارد. خب رجال برقی که ما می بینیم یک عبد الله بن سلیمان در اصحاب الصادق که مراجعه می کنیم، در اصحاب الصادق در رجال برقی چند تا عبد الله بن سلیمان هست. یکی عبد الله بن سلیمان العامری، یکی عبد الله بن سلیمان النخعی. یکی عبد الله بن سلیمان خالی. که البته در ادامه اش گفته است عجلیٌ عربی. این سه تا عبد الله بن سلیمان که در رجال برقی هست، در دو جای مختلف هستند. آن عبد الله بن سلیمان مطلق که دارد، عبد الله بن سلیمان خالی هست و در قسم من ادرک من اصحاب ابی جعفر آورده است. کأنه این عبد الله بن سلیمان همان عبد الله بن سلیمان هست که در اصحاب الباقر هم قبلا ذکر کرده بود. بنا بر این عبد الله بن سلیمان مطلق را ایشان با عبد الله بن سلیمان که عجلی و کوفی یکی دانسته است. یکی کرده است. بنابراین این خودش می تواند یک نکته ای باشد برای اینکه ما بگوییم عبد الله بن سلیمان مطلق، عبد الله بن سلیمان عجلی کوفی است. به این بیان که بگوییم ما در واقع عبد الله بن سلیمان که در اصحاب الباقر داریم، یک عبد الله بن سلیمان بیشتر نداریم. رجال شیخ هم از رجال برقی گرفته است و رجال برقی هم با توجه به اصحاب صادق اش عبد الله بن سلیمان را بر عبد الله بن سلیمان که عجلی کوفی تطبیق داده است. این صفحه 10 رجال است. یک صفحه 17. 10 که در اصحاب الباقر است. در اصحاب الصادق علیه السلام در قسم من ادرک من اصحاب ابی جعفر علیه السلام و روی عنه، یک عبد الله بن سلیمان را آورده است که بعد می گوید عجلی عربیٌّ کوفی. خب این تا اینجا یک مثلا قرینه محکمی ما ممکن است برای این ذکر کنیم که عبد الله بن سلیمان مطلق همین عبد الله بن سلیمان عجلی کوفی است. خب این با این مقایسه.

سوال:....

پاسخ: ولی یک نکته ای که اینجا وجود دارد این است که در رجال شیخ عبد الله بن سلیمان العبسی جزو اصحاب الصادق شمرده شده است. اما در رجال شیخ عبد الله بن سلیمان، اصلا عبسی الصیرفی را در اصحاب الصادق ندارد در اصحاب السجاد دارد. در اصحاب الصادق یک عبد الله بن سلیمان بن سلیمان العامری دارد و یک عبد الله بن سلیمان نخعی دارد. عبد الله بن سلیمان العبسی الصیرفی را در اصحاب السجاد آورده است. خب یک مسئله ای اینجا وجود دارد آن این است که ما در اسناد که مراجعه میکنیم، عبد الله بن سلیمان الصیرفی در اصحاب الصادق روایات، در آن طبقه ای که مال اصحاب الصادق است و از اصحاب الصادق روایت می کند عبد الله بن سلیمان الصیرفی داریم دقیقا. این چه طور هست که عبد الله بن سلیمان الصیرفی، این یک نکته. نکته دیگر اینکه در رجال نجاشی عبد الله بن سلیمان صیرفی را آورده است می گوید روی عن جعفر بن محمد. این روایت عبد الله بن سلیمان العبسی عن جعفر بن محمد را هم آورده است. خب ما این را چه کار کنیم آیا چه طور شده است که عبد الله بن سلیمان صیرفی که از اسنادش پیداست که شخص غیر معروفی هم نبوده است و روایاتی داشته است. یک احتمال اینکه بگوییم مثلا شیخ توجه نکرده است و غفلت داشته است. به خصوص با توجه به اینکه این عبد الله بن سلیمان صیرفی صاحب اصل هم بوده است. اینکه غفلت کرده است و متوجه نشده است که این صاحب اصل است بیاورد خودش یک امر استبعاد و غرابتی برای انسان دارد که چطور شد این عبد الله بن سلیمان العبسی نیامده است. از آن طرف یک نکته ای اینجا وجود دارد آن این است که شیخ در اصحاب السجاد، عبد الله بن سلیمان العبسی را آورده است با این عنوان، عبد الله بن سلیمان العبسی الکوفی یعرف بالصیرفی. خب این عبد الله بن سلیمان العبسی الکوفی یعرف بالصیرفی، که به صیرفی معروف است یک مورد هم ما روایت از این عبد الله بن سلیمان از امام سجاد علیه السلام دستمان نیست. این چیست؟ آن که روایتش دست ما است که عبد الله بن سلیمان الصیرفی از امام صادق در رجال شیخ ذکر نشده است.

شاگرد:. صیرفی از امام باقر هم دارد

استاد: خب صیرفی از امام باقر هم دارد خب آن هم یک مطلب. حالا اصحاب الباقر را شما ممکن است، حالا این بحث هایی که تا الآن کردیم اگر عجلی کوفی بصری باشد آن عبد الله بن سلیمان که در اصحاب الباقر هست می شود همین عجلی الکوفی نه صیرفی. این عبد الله بن سلیمان که از امام باقر روایت دارد در اصحاب الباقر ذکر نشده است. از امام صادق روایت دارد در اصحاب الصادق روایت نشده است. به جایش در اصحاب السجاد ذکر شده است که این اصلا در اسناد نیست. این چه طور می شود که ما اینها را با هم دیگر جفت و جور کنیم؟ خب این یک زاویه این را داشته باشید، حالا این به عنوان یک سؤال باشد و بعد بر می گردم برای پاسخ به این سؤال. ما حالا تا اینجا می خواستیم بگوییم که مثلا ممکن است ما قرینیت، بگوییم مراد از عبد الله بن سلیمان مطلق، عجلی کوفی است. یک مشکلی که اینجا دارد اصلا عبد الله بن سلیمان عجلی کوفی در هیچ سندی وجود ندارد. در رجال شیخ هم نیامده است. در هیچ کتب رجالی دیگری هم نیامده است. این چه جور می شود به خصوص از عبارت برقی استفاده می شود که آن عبد الله بن سلیمان مطلق مراد همین عجلی کوفی است. چون نمی گوید عبد الله بن سلیمان العجلی الکوفی. عبد الله بن سلیمان را به نحو مطلق می گذارد و جلویش عجلی عربیٌّ کوفی ذکر می کند. کأنه می خواهد مشخصه های عبد الله بن سلیمان مطلق را مشخص کند. به خصوص با این خصوصیات که هم عجلی است هم عربی است هم کوفی. به خصوص عربی بودنش هم نشانگر این است که شخص معروفی است. عربی ها خیلی از روات ما مولی بودند آزاد شده بودند. آزاد شده ها از جهت رده اجتماعی یک مقدار پایین تر از عربی بودند. عربی ها از جهت رده اجتماعی یک مقداری در مقام بالاتری قرار داشتند. خب این یک طرف قضیه. از جهات دیگری ما ممکن است قرائنی ذکر کنیم بگوییم مراد از این عبد الله بن سلیمان، عبد الله بن سلیمان عبسی است. از آن طرف هم، عمده قضیه این است که یک کسی را به نام سلیمان، ابو عبد الله بن سلیمان العبسی در رجال طوسی در اصحاب السجاد ذکر شده است. که ما عرض کردیم این باید علی القاعده ناظر به همان روایت عبد الله بن سلیمان عن أبیه، که ملاقاتش را با امام سجاد علیه السلام ذکر میکند ناظر به آن باشد. و کأنه همان عبد الله بن سلیمان را مطلق بوده است. به همین عبد الله بن سلیمان العبسی الکوفی حمل کرده اند یا اینکه در جایی اصلا مصرحا با عبسی الکوفی ذکر شده بوده است. بنابراین یک عبد الله بن سلیمان ما داریم که به نظر می رسد که بر عبد الله بن سلیمان العبسی الکوفی، عنوان عبد الله بن سلیمان مطلق اطلاق شده است. و خود این مؤید این مطلب می تواند باشد که عبد الله بن سلیمان مطلق، مراد عبسی الکوفی است. حالا این اطلاعات را چه جوری ما می توانیم جمع بندی کنیم؟ الآن ما با یک سری اطلاعاتی داریم که با هم دیگر نا همخوانی دارند. حالا شنبه انشاءالله در مورد اینکه این ناهمخوانی بیشتر هم هست این نکات دیگری وجود دارد که ملاحظه فرمایید که می خواهم شنبه توضیح دهم که نا همخوانی هایی دارد که ما می خواهیم این ناهمخوانی ها را حل کنیم. من در عبد الله بن سلیمان از بحث های یک مقدار پیچیده رجالی هست و خیلی اشخاصی که با این روش ها آشنا نیستند، چندان مسرور نمی شوند از این مدل بحث ها و از این ور و اونور رفتن ها و امثال اینها. ولی من تصور می کنم که روش به دست آوردن اینها از همین قرائن های تعبیر کنیم سرنخ هایی هست که این سرنخ ها ما را کم کم، این سرنخ ها خیلی وقت ها حالت رمز آلود دارد راز آلود دارد. باید رازگشایی شود تا بتوانیم به این نتیجه خوب برسیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد